

دریافت: آبان ۹۴

پذیرش: بهمن ۹۴

تصویر فنی ظلم در نهج البلاغه

دکتر مرتضی قائمی^۱

ابولفضل رحمتی^۲

چکیده

ظلم و ستم امری نکوهیده و مخالف فطرت انسانی و بشری است، در دین اسلام نیز همواره به جهاد و مبارزه علیه ظلم و ستم دعوت شده است. همینطور ائمه اطهار علیهم السلام و بویژه امام علی علیه السلام در سخنان خود به این مورد اشاره کرده‌اند. مبارزه علیه ظلم و ستم به عنوان یک ضرورت اساسی در حکومت اسلامی مطرح است، زیرا اساس اسلام بر عدالت و نفی هر گونه تبعیض است. در این مقاله به بررسی تصویر فنی ظلم در نهج البلاغه و تحلیل محتوایی و بلاغی شواهد آن پرداخته‌ایم. و به این نتیجه رسیدیم که امام علی علیه السلام با چه تصاویری زنده و پویا در قالب الفاظ رصین و معانی زیبا و جذاب آنرا به تصویر کشیده است و این امر قدرت و توانایی منحصر به فرد ایشان را در کلام و سخنانش نشان می‌دهد. تصاویری ظریف و آکنده از فنون بلاغی امثال تشبیه و استعاره و کنایه و مجاز و اغراق و مثل و تشخیص است که اوج فصاحت و بلاغت کلام ایشان را در معرض دید مخاطب قرار می‌دهد. در سراسر این کتاب ظلم و ستم مذموم شمرده و سخنان و خطبه‌های امام علی علیه السلام سرشار از تصاویر بلاغی و هنری است که در نوع خود منحصر به فرد محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

تصویر، ظلم، نهج البلاغه.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا همدان morteza_ghaemi@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا همدان abolfazlrahman@yahoo.com

مقدمه

به طور کلی ظلم سه نوع است، ظلم به خود، ظلم به خدا و ظلم به دیگران. در قرآن کریم نیز به همین معانی به کار رفته است، ظلم یعنی حق دیگری را از بین بردن و او را از حقوق خود محروم کردن است. مثلاً غیبت، بدگویی و تهمت ظلم به دیگران است، گناه کردن ظلم به خود است، و رعایت نکردن حقوق الهی ظلم به خداوند است. (فراهیدی، ۱۶۳)

ابتدا به شرح لغوی و اصطلاحی واژه «ظلم» در معاجم و لغت نامه‌ها می‌پردازیم و سپس این واژه را از دیدگاه اسلام و قرآن و ائمه علیهم‌السلام و بویژه امام علی علیه‌السلام بررسی می‌کنیم.

الف) معنای لغوی: ظلم در لغت به معنای ستم کردن و بیداد کردن، اصل آن به معنی ناقص کردن حق و گذاشتن شیء در غیر موضع خویش است. (کحالة، ۶۶۴)

ب) معنای اصطلاحی: ظلم عبارت است از انحراف از جاده عدالت و عدول از کاری که سزاوار است به کاری که سزاوار نیست. که موجب می‌شود شخص به منظور خویش نایل نگردد و بالاخره نا امید و زیانکار شود. (البستانی، ۵۶۷)

در "لسان العرب" ظلم اینگونه تعریف شده است: «قرار دادن چیزی در غیر جایگاه خود، واصل ظلم یعنی جور و ستم و تجاوز از حد». (ابن منظور، ۲۶۶)

در "تاج العروس" چنین آمده است: «تصرف در ملک دیگری، و در نزد لغویون قرار دادن چیزی در غیر جایگاهش». (الزبیدی، ۳۸۳)

نقطه مقابل ظلم واژه «عدل» است، که مهمترین معانی آن عبارت است از:

- ۱) رعایت تساوی.
- ۲) رعایت حقوق دیگران.
- ۳) قرار گرفتن افراد و اشیاء در جایگاه شایسته خود. (قیم، ۷۱۵)

اقسام ظلم از دیدگاه امام علی علیه‌السلام:

- ۱) ظلمی که نا بخشودنی است، شرک به خدای سبحان است.
- ۲) ظلمی که بدون مجازات نمی‌ماند، ستمگری بعضی از بندگان بر بعضی دیگر است.
- ۳) ظلمی که بخشودنی و قابل جبران است، ستمی که بنده با گناهان بر خویشتن روا داشته است. (دشتی، ۳۳۸-۳۳۶)

ظلم ستیزی در اسلام

در دین اسلام علاوه بر تهدیدهای مکررنسبت به ظلم و ستم، از ابعاد گوناگون به ظلم ستیزی پرداخته شده است:

(۱) ظلم و ستم حرام است: لِلظَّالِمِ الْبَادِي غَدًا بِكَفِّهِ عَظَّةٌ. «آغاز کننده ستم، در قیامت انگشت به دندان می‌گزد». (همان، ۶۶۸)

(۲) کمک به ظالمین است: حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَالْمُعِينُ عَلَيْهِ وَالرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ ثَلَاثَتَهُمْ». «آنکه ستم می‌کند و آنکه او را کمک می‌کند و آنکه به ستم راضی است هر سه شریکند. (العاملی، ۱۲۸)

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ أَعْوَانَ الظَّالِمَةِ فِي سَرَادِقِ مَنْ نَارٍ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَ الْعِبَادِ». «همانا کمک کنندگان به ستمگران در خیمه آتشین هستند تا خداوند میان مردم حکم کند». (همان، ۱۲۹)

(۳) دوست داشتن ظالم و تمایل به او ممنوع است: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ». «به ستمکاران متمایل نشوید که دچار آتش خواهید شد». (هود/۱۱۳)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَ الظَّالِمِينَ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يَعْصِيَ اللَّهَ». «هر کس بقای ستمگران را دوست داشته باشد، به نافرمانی خدا و معصیت او علاقه مند شده است». (العاملی، ۱۳۴)

(۴) به مظلومین باید کمک کرد: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم». «هر که بشنود مردی فریاد می‌زندای مسلمانها به دادم برسید، و پاسخ ندهد مسلمان نیست».

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا». «دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید». (دشتی، ۵۵۸)

ظلم و ستم در اسلام امری مذموم شمرده شده است، در سخنی منسوب به پیامبر اکرم (ص) چنین آمده است: «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ». دین مبین اسلام همواره

انسانها رابه نफी بندگی غير خدا فرا خوانده وتلاش کرده است تا عزت و حرمت انسانها حفظ شود. خداوند در قرآن مجيد، آيات فراوانی در باره نکوهش ظلم و سرانجام ظالمان نازل کرده که به چند نمونه آن می پردازیم:

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ». (زخرف/ ۶۵) «وای بر ستمکاران از عذاب دردآور قیامت».

«ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ». (یونس/ ۵۲) «آنگاه به ستمکاران گویند: عذاب جاوید را بچشید، آیا نه چنین است که در برابر اعمالتان کیفر مبینید».

عدالت و ظلم دو محور متضادند که در همه سیستم های سیاسی، مورد توجه قرار گرفته و عدالت، هدف غایی تمامی تلاش های فکری و اجرایی را در عرصه سیاست و حکومت تشکیل می دهد. امام علی علیه السلام نکات ظریفی را بیان داشته اند: آن حضرت این دو لفظ را شبیه حق و باطل دانسته اند و فرموده اند: «الْعَدْلُ صُورَةٌ وَاحِدَةٌ وَالْجَوْرُ صُورٌ كَثِيرَةٌ». یعنی عدالت و دادگری یک چهره و ظلم و ستم دارای چهره های زیادی است، ظلم در واقع همانند باطل است که به شکل های گوناگون ظاهر می شود.

اساس جهان آفرینش بر عدل و حق پایدار است، و اجرای عدالت، ضروری ترین نیاز هر جامعه است، در عرصه مسائل اقتصادی نیز همین نقش را برای بیان عدالت بیان کرده اند، امام علی علیه السلام در کلماتشان به نقش عدل اینگونه اشاره می فرمایند:

«بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ». (رشاد، ۵۵) «با برقراری عدالت، برکات، نعمت های خداوند فزونی می یابد».

عشق عمیقی که علی علیه السلام نسبت به مردم دارد، او را وادار می سازد که با ستمکاران و بد خواهان، سازش نکند. ایشان در مبارزه با ظلم و ستم هرگز سست و خسته نگردید به هیچ وجه عقب نشینی هم ننمود و در قلب امام از مهر و عاطفه انسانی تا آن مقدار وجود داشت که ضامن پایداری وی در نبرد به خاطر حق و بر ضد باطل می شد و ضامن نیروی وی بر رهبری پیکار می گشت. (جرداق، ۱۳۴۴، ۳۰۹)

امام علی علیه السلام برای عدالت جایگاه محکمی در تنظیم حیات اجتماعی انسان قائل است. امام حکومت منهای عدالت را چندان پست و بی ارزش می‌شمارد. ایشان «عدل» و «حق» را ملازم یکدیگر می‌شمارد و در کلام و مواظ خود به هر دو توجه می‌کند و تحقق هر یک را بدون دیگری امکان پذیر نمی‌داند و ایشان حق را اعم از حقوق الهی و حقوق انسان‌ها می‌شمارد. (ابن ابی الحدید، ۹۲).

در این مقاله فقط به مواردی از خطبه‌های نهج البلاغه پرداخته ایم که دارای تصاویر بلاغی هستند، ولی در پاره‌ای از سخنان امام علی علیه السلام عباراتی هستند که فقط از آنها مفهوم ظلم استنباط می‌شود و فاقد تصویر هستند و در اینجا به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

«وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ، وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ، فَيَنْتَرِعُ حِجْلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَاتِدَهَا وَرُعْثَهَا، مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَالِاسْتِرْحَامِ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمًا». (خطبه ۲۷) «به من خبر رسیده که یکی از آنان به خانه زن مسلمان وزن غیر مسلمان دیگری که در پناه اسلام جان و مالش محفوظ بوده وارد شده و خلخال و دستبند، گردنبند و گوشواره‌های آنها را از نشان بیرون آورده است، در حالی که هیچ وسیله‌ای جز گریه و التماس کردن نداشته‌اند، آنها با غنیمت فراوان برگشته‌اند بدون اینکه حتی یک نفر از آنها زخمی گردد».

ملاحظه می‌کنید امام علی علیه السلام این ظلم و ستم را چگونه توصیف کرده است، و اشاره کرده به اینکه مردی از شام به خانه زنی مسلمان وزن غیر مسلمان دیگری وارد شده و به اموال و دارایی‌های آنان تجاوز کرده است، و مردم را که در برابر این عمل سکوت کرده‌اند را نکوهش می‌کند. در این عبارت بین کلمات «حجل، قلب، فلائد و رعث» مراعات نظیر به کار رفته است. در جای دیگری امام علی علیه السلام در پرهیز از ظلم و ستم می‌فرماید:

«وَاللَّهُ لَوْ أَعْطِيَتِ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ أَفْلَاكِهَا، عَلِيٌّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ، وَإِنْ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا». (خطبه ۲۲۴) «به خدا سوگند اگر اقلیم‌های هفت گانه با آنچه در

زیر آسمانهاست به من بدهند که خداوند را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نا فرمانی کنم، هرگز نخواهم کرد، و این دنیای شما از برگ جویده‌ای که در دهان ملخی باشد نزد من خوار تروبی ارزشتر است».

ملاحظه می‌کنید که امام علی علیه السلام تحت هیچ شرایطی حاضر نبوده که ظلم و ستم کند حتی نسبت به مورچه که دانه‌ای در دهان دارد. و این می‌رساند که امام علیه السلام حتی نسبت به حیوانات نیز مهربان و عدالتگر بود. در عبارت پایانی با چه طرز زیبا و دل انگیزی دنیا را در بی‌ارزشی و ناپایداری به برگ درختان تشبیه کرده است. همینطور در جای دیگر می‌فرماید:

«مَنْ تَعَدَّى الْحَقَّ ضَاقَ مَذْهَبُهُ، وَمَنْ اِقْتَصَرَ عَلَى قَدْرِهِ كَانَ أَبْقَى لَهُ» (نامه ۳۱)
 «کسی که از حق تجاوز کند، زندگی بر او تنگ می‌گردد، هر کس قدر و منزلت خویش بداند حرمتش باقی است».

ملاحظه می‌کنید انسان متجاوز، از دیدگاه امام علی علیه السلام عرضه بر او محدود می‌شود و در نزد مردم جایگاهی ندارد. امام علی علیه السلام در همین رابطه می‌فرماید:

«بِئْسَ الطَّعَامُ الْحَرَامُ وَظَلْمُ الضَّعِيفِ أَفْحَشُ الظُّلْمِ» (نامه ۳۱) «بدترین غذاها لقمه حرام، و بدترین ستم‌ها، ستم کاری به ناتوان است».

ملاحظه می‌کنید امام علی علیه السلام ظلم به انسانهای ناتوان را بدترین ظلم محسوب کرده است و همینطور بدترین غذا را غذایی می‌داند که از راه حرام و از طریق ظلم و ستم کردن به دست آید.

تصویر آفرینی

از گذشته تاکنون، تعاریف گوناگونی برای این واژه شده، در برخی از تعاریف، تصویر اینگونه معرفی شده است: "تصویر" در لغت به معنا "صورت کردن چیزی و آفریدن" (دهخدا، ۶۷۷۶). «تصویر، هر نوع آرایه کلامی به شکل‌هایی از نوع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و مانند آن هاست، که به منظور ایجاد صورت‌های ذهنی و انگیزش عاطفه به کار می‌رود» (انوری، ۱۷۶۶). یکی دیگر از محققان در تعریف تصویر می‌گوید:

«به کار گرفتن سخن به گونه‌ای خاص است که در آن معانی و مفاهیم به روشی جدید و ابتکاری تجسم می‌یابند، و در حقیقت سخن از قالب تنگ خود خارج شده و به عالمی زنده و پر نشاط پا می‌گذارد» (قاسمی، ۴)

در جای دیگر تصویر اینگونه تعریف شده است:

خیال یا «تصویر» حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌های عاطفی همراه است. (شفیعی کدکنی، ۱۷)

تصویر گرایی در نهج البلاغه

یکی از مظاهر زیبایی بی‌نظیر نهج البلاغه، تصاویر زیبا و پویا و جذاب آن است، تعبیر امام علی علیه السلام چنان زیبا و هنری است که ذهن هر مخاطبی را به خود جلب می‌کند، ایشان با بهره جستن از تشبیه و استعاره و مجاز و مانندان، به کلمات حیات بخشیده است. تصویر گرایی در نهج البلاغه یک اسلوب تفننی و یا روشی برای زینت بخشیدن به کلام نیست، بلکه امام علی علیه السلام از این روش برای انتقال هر چه بهتر و گویاتر پیام‌های آسمانی و معارف توحیدی بهره می‌جسته است.

انواع تصویر آفرینی در نهج البلاغه

۱. تجسیم

تجسیم در لغت به معنای صورت جسمانی دادن به امر معنوی و غیر مادی است، به عبارت دیگر، امور مجرد را به صورت مادی و محسوس شناساندن است. (قاسمی، ۱۰)

«وَأَيْمُ اللَّهِ لَأَبْقُرَنَّ الْبَاطِلَ حَتَّىٰ أُخْرِجَ الْحَقَّ مِنْ خَاصِرَتِهِ» (دشتی، ۱۹۲) «به خدا سوگند، با باطل مبارزه می‌کنم تا حق از پهلوی آن بیرون آید».

۲. تشخیص

"تشخیص" در لغت به معنا "معین کردن چیزی" و در اصطلاح ادبی، شخصیت انسانی دادن به اشیاء است. (عصفور، ۲۶۸)

«إِنَّ الْبَغْيَ وَالزُّورَ يُوتِعَانِ الْمَرْءَ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ» (دشتی، ۵۶۰) «همانا ستمگری

ودروغ پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می‌کند».

۳. تخییل

"تخییل" در لغت به معنای "به خیال انداختن" یا به عبارتی، خیال و تصویر و نمای چیزی را در اندیشه و ذهن دیگران آفریدن است. ادیبان قدیم، عنصر خیال را جوهر اصلی شعر شمرده‌اند، بسیاری از گویندگان مکاتب جدید ادبی، از قبیل سوررئالیست‌ها، هنر را نتیجه خیال و تخییل دانسته‌اند. (شفیعی کدکنی، ۶-۷)

«دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدُ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنَزٍ» (آشتیانی و امامی، ۷۸-۷۹) «این دنیای شما در نزد من از عطسه کردن بز بی‌ارزوتر است».

امام علی علیه السلام برای به تصویر کشیدن مفاهیم، گاه از فنون بلاغی و صنایع کلامی بهره جسته است که در اینجا به پرکاربردترین آنها و تعاریف و شواهدشان می‌پردازیم.

۱. تصاویر تشبیهی ظلم در نهج البلاغه

"تشبیه" در لغت به معنای تمثیل و در اصطلاح، به معنای عقد مشابهت بین دو چیز یا بیشتر است که مقصود، مشارکت آنها در یک یا چند صفت برای تبیین غرضی که متکلم در ذهن می‌پروراند، می‌باشد. (هاشمی، ۲۵۶)

امام علی علیه السلام در پرهیز از ستمکاری چنین می‌فرماید:

«فَاللَّهِ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبَغْيِ، وَآجَلِ وَخَامَةِ الظُّلْمِ، وَسُوءِ عَاقِبَةِ الْكِبْرِ، فَإِنَّهَا مَصِيدَةٌ إِبْلِيسَ الْعُظْمَى، وَمَكِيدَتَهُ الْكُبْرَى، الَّتِي تُسَاوِرُ قُلُوبَ الرِّجَالِ مُسَاوِرَةَ السُّمُومِ الْقَاتِلَةِ، فَمَا تُكْدِي أَبَدًا، وَلَا تُشْوِي أَحَدًا، لَا عَالِمًا لِعِلْمِهِ، وَلَا مُقَلًّا فِي طَمَرِهِ.» (دشتی، ۳۹۰) «پس خدا را، خدارا، از تعجیل در عقوبت، و کیفیر سرکشی و ستم بر حذر باشید، و از آینده دردناک ظلم، و سرانجام زشت تکبر و خود پسندی که کمین‌گاه ابلیس است، و جایگاه حيله و نیرنگ اوست، بترسید، حيله و نیرنگی که با دل‌های انسانها، چون زهر کشنده می‌آمیزد، و هرگز بی‌اثر نخواهد بود، و کسی از هلاکتش جان سالم نخواهد برد، نه دانشمند به خاطر دانشش، و نه فقیر به جهت لباس کهنه اش، در امان می‌باشد».

منظور از واژه «بغی»، ظلم و تعدی و طلب کردن چیزی است که حق انسان نیست و متعلق به غیر است. یا به عبارتی دیگر، ظلم و تجاوز کردن، تکبر، خواستن و طلب همراه با تجاوز است. ملاحظه می‌کنید امام علی علیه السلام به چه طرز زیبا و ظریفی زشتی کبر و تکبر را تشبیه به کمین گاه ابلیس که هر لحظه امکان گرفتار شدن انسانها وجود دارد. و در عبارت دیگر به طرز زیبا و دقیقی با تشبیه بلیغ زیبایی دیگری را خلق کرده که این دام را تشبیه کرده به سموم کشنده‌ای که انسانها را فرا گیرد و کسی نمی‌تواند جان سالم از آن بیرون ببرد. هر دو طرف تشبیه حسی است با جامع کشتن و گرفتار شدن که زیبایی خاصی را بخشیده است. در این خطبه از اسلوب تحذیر استفاده شده تا انسانها را نسبت به عواقب وخیم ظلم و کبر آگاه کند. و همینطور بین کلمات (عاجل و آجل) و (ابد و احد) و (عالم و علم) به ترتیب جناس لفظی، مضارع و شبه اشتقاق به کار رفته است. و همچنین از صنعت بدیعی طباق میان کلمات (عاجل و آجل) و (العظمی و الکبری) و صنعت ترصیع در جمله «فما تکدی ابد و لا تشوی احد» استفاده شده است که هم وزن بودن الفاظ و همسان بودن حروف پایانی دنباله تصاویر تشبیهی در نهج البلاغه کلمات یا تقارب آنها آنرا پدید آورده است. همینطور از صنعت تکریر (الله الله) استفاده شده است.

امام علی علیه السلام که همان قرآن زنده و مجسم و ناطق است، عدالتی است ممثل و محقق و عدل از سراسر وجودش می‌جوشد، عدالت ممتاز علی علیه السلام از عمق وجود و منشا دادگری مطلق هستی سرچشمه می‌گیرد و از نهادش بر می‌خیزد، ببینید عدالت علی تا چه اندازه دقیق و سنجش میزان دادگریش تا چه پایه عمیق است که می‌فرماید:

«وَاللّٰهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاقِهَا، عَلِيٌّ أَنْ أُعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ
 أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ، وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرْقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ
 تَقْضُمُهَا». (جرdaq، بی تا، ۹۵) «اگر آسمانهای هفت گانه و آنچه را که در مدار
 آنهاست به من بخشند تا پوست جوی رابه ستم از دهان موری باز ستانم و خدای
 را در این باره نافرمانی کنم، چنین نخواهم کرد».

ملاحظه می‌کنید که امام علی علیه السلام چگونه ظلم را به تصویر می‌کشاند و حاضر نیست تحت هیچ شرایطی ظلم کند، در واقع همان عدالت بی نظیر او در اینجا نمایان است. به چه

طرز زیبا و هنری دنیا را تشبیه کرده به برگگی که مورچه آن را می‌جود، و این هنر آفرینی ایشان بی‌ارزشی و بی‌اعتباری دنیا را نشان می‌دهد. در اینجا امام علی علیه السلام در جمله اول از صنعت اغراق نیز استفاده کرده و به نوعی می‌خواهد ویژگی ظلم ستیزی خود را بیان کند و عدم گذشت نسبت به ظلم را به تصویر بکشاند. همینطور از صنعت مراعات نظیر بین کلمات (نملة و شعیر) و (ورقة و جراد) استفاده نموده است. در عبارت آخر از صنعت تفریق نیز بهره جسته است.

امام علی علیه السلام در خطبه دیگری که فتنه‌های بنی امیه را چنین بیان می‌کند:

«وَأَيْمَنْشَ اللَّهُ لَتَجِدَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ لَكُمْ أَرْبَابَ سُوءٍ بَعْدِي، كَالثَّابِثِ الضَّرْسِ، تَعْدَمُ بَيْنَهُمَا، وَتَخْبِطُ بِيَدِهِمَا، وَتَزِينُ بِرَجُلَيْهَا، وَتَمْنَعُ دَرَّهَا، لَا يَزَالُونَ بِكُمْ حَتَّى لَا يَتْرُكُوا مِنْكُمْ إِلَّا نَافِعًا لَهُمْ أَوْ غَيْرَ ضَائِرٍ بِهِمْ. وَلَا يَزَالُ بِلَاؤُهُمْ عَنْكُمْ حَتَّى لَا يَكُونَ انْتِصَارُ أَحَدِكُمْ مِنْهُمْ إِلَّا كَانَتْصَارَ الْعَبْدِ مِنْ رَبِّهِ، وَالصَّاحِبِ مِنْ مُسْتَصْحَبِهِ، تَرُدُّ عَلَيْكُمْ فِتْنَتَهُمْ شَوْهَاءَ مَخْشِيَّةٍ، وَقَطْعًا جَاهِلِيَّةً، لَيْسَ فِيهَا مَنَارٌ هُدًى، وَلَا عِلْمٌ يُرَى».

(دشتی، ۱۷۴) «به خدا سوگند بنی امیه بعد از من برای شما زمامداران بدی خواهند بود، آنان چون شتر سرکشی که دست به زمین کوبد و لگد زند و با دندان گاز گیرد و از دوشیدن شیر امتناع ورزد، با شما چنین بر خورد دارند، و از شما کسی باقی نگذارند، جز آنکه برای آنها سودمند باشد یا آزاری به آنها نرساند، و بلای فرزندان بنی امیه، بر شما طولانی خواهد ماند چندان که یاری خواستن شما از ایشان چون یاری خواستن بنده باشد از مولای خویش یا تسلیم شده از پیشوای خود. فتنه‌های بنی امیه پیاپی با چهره‌ای زشت و ترس آور، و ظلمتی با تاریکی عصر جاهلیت، بر شما فرود می‌آید، نه نور هدایتی در آن پیدا، و نه پرچم نجاتی در آن روز گاران به چشم می‌خورد».

ملاحظه می‌کنید که امام علی علیه السلام خاندان بنی امیه را به شتران سرکش و چموش تشبیه کرده که آرام و قرار ندارند و پیوسته بر مردم ظلم و ستم می‌کنند و ظلم و ستم آنان را در حق مردم وحشتناک توصیف کرده، در تصویر دیگر یاری خواستن از بنی امیه را تشبیه کرده به یاری خواستن بنده از مولای خویش، که دو طرف تشبیه حسی است به طور زیبایی بیان

کرده است، و همینطور فتنه‌های بنی امیه را تشبیه کرده به انسانی که چهره زشت دارد و به صورت تخیلی آنرا به تصویر کشیده است. غیر از تشبیه، از صنعت مراعات نظیر بین کلمات (ناب، فم، ید، رجل) استفاده شده است و همچنین بین کلمات (نافع و ضائر) طباق به کار رفته است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«هَيْهَاتَ بَعْدَ اللَّيَا وَالَّتِي وَاللَّهِ لَا بِنُ أَبِي طَالِبٍ آتَسُّ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِثَدْيِ أُمِّهِ.»
(خطبه ۵)

تشبیه نسبت امام علی علیه السلام به مرگ با رابطه بین طفل و پستان مادر از نوع تشبیه تمثیل است.

امام علی علیه السلام در شکوه از خلافت عثمان چنین می‌فرماید:

إِلَى أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ نَافِجاً حِضْبِيهِ، بَيْنَ نَثِيلِهِ وَمُعْتَلِفِهِ، وَقَامَ مَعَهُ بُنُؤَابِيهِ
يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ، إِلَى أَنْ إِنْتَكَتْ عَلَيْهِ فَتْلُهُ، وَأَجْهَزَ
عَلَيْهِ عَمَلُهُ، وَكَبَّتْ بِهِ بَطْنَتُهُ. (همان، ۴۶) «تا آن که سومی به خلافت رسید، دو
پهلوی از پرخوری باد کرده، همواره بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان
بود، و خویشاوندان پدری او از بنی امیه به پا خاستند و همراه او بیت المال را
خوردند و بر باد دادند، چون شترگرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد، عثمان
آنقدر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و اعمال او مردم را برانگیخت، و
شکم بارگی او نابودش ساخت.»

در این تصویر، شاهد آن هستیم که امام علی علیه السلام برای ترسیم حرص و ولع شدید قوم
و خویش عثمان در چپاول بیت المال، از واژه‌ای زنده و گویا بهره جسته و می‌فرماید: «يَخْضَمُونَ
مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ». واژه «خضم» در لغت به معنای باز کردن دهان تا منتهای آن
برای بلعیدن غذاست، به این ترتیب، این واژه تصویر بسیار روشنی از غارت بیت المال به دست
بنی امیه را در عصر عثمان به نمایش می‌گذارد و امام علی علیه السلام با استفاده از تشبیه، ظلم و
اجحاف بنی امیه نسبت به مسلمانان را به وضوح ترسیم می‌کند.

در این تصویر، امام علی علیه السلام اقوام و خویشان عثمان را همچون شترانی به نمایش گذاشته

که با حرص شدید به خوردن بیت المال مشغولند. از سوی دیگر، استفاده از تعبیر «نبته الربیع» نشان می‌دهد همچنان که شتران پس از یک دوره طولانی خشک بودن زمین در زمستان، وقتی به علف‌های تازه و سر سبز و خوش خوراک بهاری می‌رسند، بی‌اختیار به آن هجوم برده و با حرص و ولع شدید آن را می‌خورند.

امام علی علیه السلام در باره عبدالملک بن مروان چنین می‌فرماید:

«آثَرُوا عَاجِلًا وَأَخْزُوا آجِلًا، وَتَرَكُوا صَافِيًا وَشَرَبُوا آجِنًا، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى فَاسِقِهِمْ وَقَدْ صَحِبَ الْمُنْكَرَ فَأَلَفَهُ، وَبَسِيَءٌ بِهِ وَوَأَفَقَهُ، حَتَّى شَابَتْ عَلَيْهِ مَفَارِقُهُ، وَصَبَغَتْ بِهِ خِلَافَتُهُ، ثُمَّ أَقْبَلَ مُزِيدًا كَالْتِيَارِ لَا يُبَالِي مَا غَرَّقَ، أَوْ كَوَقَعَ النَّارَ فِي الْهَشِيمِ لَا يَحْفَلُ مَا حَرَّقَ». (خطبه ۱۴۴) «گمراهان، دنیای زودگذر را برگزیدند، و آخرت جاویدان را رها کردند. چشمه زلال را گذاشتند و از آب تیره و ناگوار نوشیدند، فاسق آنها را می‌نگرم که با منکرو زشتی‌ها یاراست و با آن انس گرفته و همنشین می‌گردد تا آنکه موی سرش در گناهان سفید گشته و خلق و خوی او رنگ گناه و منکر گیرد، در چنین حالی، کف بر لب به مردم یورش آورد، چونان موج خروشان که از غرق کردن هر چیزی بی‌پروا باشد، یا شعله‌ای که تر و خشک را بسوزاند و همه چیز را خاکستر گرداند».

ملاحظه می‌کنید امام علی علیه السلام با استفاده از تشبیه به چه طرز زیبایی در جملات پایانی چهره بسیار پلید این حاکم اموی و ظلم و ستم او را در حق مسلمانان به تصویر کشیده، در عبارت «اقبل مزیدا کالتیاری لایبالی ما غرق» وحشی‌گری و بی‌رحمی این حاکم اموی را به صورت سیل خروشان به تصویر کشیده که توجهی به عواقب و آثار زیان‌آورش ندارد و همین‌طور در عبارت «کوقع النار فی الهشیم لایحفل ما غرق» ظلم و ستم و بی‌رحمی او را به صورت آتشی در میان هیثم ترسیم کرده که همه را خواهد سوزاند. امام علی علیه السلام در باره قوم مغول می‌فرماید:

«كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْمًا كَأَنَّ وَجوهَهُم المَجَانُّ المَطْرَقَةُ، يَلْبَسُونَ السَّرَقَ وَالدَّبِيحَ، وَيَعْتَقِبُونَ الخَيْلَ العِتَاقَ. وَيَكُونُ هُنَاكَ اسْتِحْرَارُ قَتْلِ حَتَّى يَمشِيَ المَجْرُوحُ عَلَيِ المَقْتُولِ، وَيَكُونُ المُفْلِتُ أَقْلَ مِنَ المَأْسُورِ». (خطبه ۱۲۸) «گویا آنان را می‌بینم با

رخساری چونان سپرهای چکش خورده، لباس‌هایی از دیباج و حریر پوشیده، که اسب‌های اصیل را یدک می‌کشند و آنچنان کشتار و خونریزی دارند که مجروحان از روی بدن کشتگان حرکت می‌کنند و فراریان از اسیرشدگان کمترند».

در این خطبه مشاهده می‌کنید که امام علی علیه السلام قوم مغول را از نظر صورت و سیرت مورد توصیف قرار داده، و ویژگی‌های این قوم ددمنش را معرفی می‌کند، و در عبارت «كَانَ وَجُوهَهُمُ الْمَجَانُ الْمَطْرُقَةُ» با استفاده از صنعت تشبیه، آنان را به صورت سپرهای چکش خورده به تصویر کشیده که خیلی سنگدل و بی رحم در صورت و سیرت هستند، جمله‌های پایانی امام، تصویری از عمق جنایات و فجایعی است که به دست این درندگان آدم نما صورت پذیرفت. از این تعبیر، می‌توان دریافت که آنان چنان از کشته‌ها پشته می‌ساختند که مجروحان راهی برای عبور از میان خیل کشته‌ها نمی‌یافتند و می‌بایست بر آن اجساد پاگذارند و بگذرند. امام علی علیه السلام در باره فساد بنی امیه چنین می‌فرماید:

«فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ مِنْكُمْ إِلَّا ثِقَالَةٌ كَثْفَالَةُ الْقَدْرِ، أَوْ نُفَاضَةٌ كَنُفَاضَةِ الْعَمِّ، تَعْرُكُكُمْ عَرَكَ الْأَدِيمِ، وَتَدُوسُكُمْ دَوْسَ الْحَصِيدِ، وَتَسْتَخْلِصُ الْمُؤْمِنَ مِنْ بَيْنِكُمْ أَسْتِخْلَاصَ الطَّيْرِ الْحَبَّةَ الْبَطِينَةَ مِنْ بَيْنِ هَزِيلِ الْحَبِّ» (خطبه ۱۰۸) «پس آن روز که بر شما دست یابند جز تعداد اندکی از شما باقی نگذارند، چونان باقیمانده غذایی اندک در ته دیگ یا دانه‌های غذای چسبیده در اطراف ظرف شما را مانند پوست‌های چرمی به هم پیچانده می‌فشارند، و همانند خرمن شما را به شدت می‌کوبند، و چونان پرنده‌ای که دانه‌های درشت را از لاغر متمایز کرده به ترسیم می‌کشد» تشبیه بنی امیه به خاک‌هایی که محتویات شکم حیوان مانند جگر و معده روی آن بیفتند و آلوده شود، اشاره به نهایت آلودگی و پستی آنهاست.

امام علی علیه السلام در باره ناکثین چنین می‌فرماید:

«فَخَرَجُوا يَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) كَمَا تُجْرُ الْأُمَّةُ عِنْدَ شِرَائِهَا، مُتَوَجِّهِينَ بِهَا إِلَى الْبَصْرَةِ، فَحَبَسَا نِسَاءَهُمَا فِي بُيُوتِهِمَا، وَأَبْرَزَا حَبِيسَ رَسُولِ اللَّهِ لُهُمَا وَلِغَيْرِهِمَا» (خطبه ۱۷۲) «طلحه و زبیر و یارانشان بر من خروج کردند، و همسر رسول خدا (ص) را به همراه خود می‌کشیدند چونان کنیزی را که به بازار برده فروشان می‌برند، به

بصره روی آوردند، در حالی که همسران خود را پشت پرده نگه داشتند، اما پرده نشین حرم پیامبر(ص) را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند».

ملاحظه می‌کنید امام علیه السلام استفاده ابزاری طلحه و زبیر از همسر پیامبر برای پیاده کردن مقاصد شومشان یاد نموده و ناجوانمردی آنان را در قالب این صحنه به نمایش می‌گذارد. در اینجا تصویر کشیده شدن همسر رسول خدا را به دنبال خود بسان بردن کنیزی به بازار برده فروشان ترسیم کرده و با استفاده از تشبیه اوج بی‌رحمی و سنگدلی آن دو را به چه طرز زیبایی به تصویر کشیده است. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای چنین می‌فرماید:

«يُؤْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْإِمَامِ الْجَائِرِ وَ لَيْسَ مَعَهُ نَصِيرٌ وَ لَا عَاذِرٌ، فَيُلْقِي فِي نَارِ جَهَنَّمَ، فَيَدُورُ فِيهَا كَمَا تَدُورُ الرَّحَى، ثُمَّ يَرْتَبِطُ فِي قَعْرِهَا». (خطبه ۱۶۴) «پیشوای ستمکار را روز رستاخیز حاضر می‌کنند در حالی که نه یاور و نه عذر خواهی، او را در آتش دوزخ می‌افکنند و همچون سنگ آسیا در آتش به چرخش می‌افتد، آنگاه او را در قعر دوزخ به زنجیر می‌کشند».

ملاحظه می‌کنید نحوه عذاب دادن ظالم را در روز قیامت را به چه طرز زیبا و جذاب به گردش سنگ آسیاب در آتش تشبیه کرده است.

۲. تصاویر استعاری ظلم در نهج البلاغه

"استعاره" در لغت به معنای عاریت گرفتن و به عاریت خواستن است، و در اصطلاح علم بیان، به کار بردن لفظی در غیر آنچه برای آن وضع شده است به جهت علاقه مشابهتی که بین معنای حقیقی و معنی مجازی وجود دارد همراه با قرینه باز دارنده از اراده معنای اصلی آن. (تفتازانی، ۶۸)

در خطبه‌ای دیگر برای مقابله با اصحاب جمل چنین می‌فرماید:

«أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ خَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ، وَ إِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي: مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي، وَ لَا لَبَسَ عَلَيَّ وَ أَيْمُ اللَّهِ لَأُفْرِطَنَّ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَاتِحُهُ، لَا يَصْدِرُونَ عَنْهُ، وَ لَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ». (دشتی، ۵۴) «آگاه باشید که شیطان حزب خود را جمع کرده و سواره و پیاده‌های لشکر خود را فرا خوانده است، اما

من آگاهی لازم به امور را دارم، نه حق را پوشیده داشتم، و نه حق بر من پوشیده ماند، سوگند به خدا، گردابی برای آنان به وجود آورم که جز من کسی نتواند آن را چاره سازد، آنها که در آن غرق شوند، هرگز نتوانند بیرون آیند، و آنان که بگریزند خیال بازگشت نکنند».

ابن ابی الحدید جمله «وایم الله لافرطن لهم حوضا» را کنایه از جنگ و تبعات آن از قبیل قتل و کشتار دانسته است، و معتقد است آن حوض این طور نیست که هر کس وارد آن شود آب بنوشد بلکه حوضی است که هر کس بدان قدم بگذارد طعمه شمشیرها خواهد شد. (ابن ابی الحدید، ۳۳) باتوجه به زمینه سخن، قرینه برای استعاره بودن "حوض" قرینه حالیه است و لذا دو عبارت "لا یصدرون" و "لا یعودون"، چون از لوازم مشابهه به جنگ محسوب می شود، ترشیح است. همینطور در جمله «ان الشیطان قد جمع حزبه و...» صنعت تشخیص به کار رفته است و فعل «جمع» را به شیطان اختصاص داده است. و بین کلمات «حزب، خیل و رجل» سجع و همچنین بین کلمات (یصدرون و یعودون) طباق به کار رفته است. همچنین در عبارت «الا ان الشیطان قد جمع حزبه واستجلب جلبه»، "جلب" به ابر نازکی گویند که حامل باران نیست و استعاره‌ای برای لشکر شیطان که نفعی حقیقی از آنان عاید نمی‌گردد. اگر مراد از شیطان "معاویه" باشد واژه‌های "خیل" و "رجل" حقیقی است و اگر منظور "ابلیس" حقیقی باشد این واژه‌ها از سنخ استعاره اصلیه تصریحیه است (همان، ۳۰۴).

امام علی علیه السلام در باره مسوولیت‌های اجتماعی چنین می‌فرماید:

«أما والذی فلق الحبّة، وبرأ النّسمّة، لولا حضور الحاضر، وقيام الحجّة بوجود الناصر، وما أخذ الله على العلماء إلاّ یقاروا علی کظّة ظالم، ولا سغب مظلوم، لألقت حبّلاً علی غارها، ولسقت آخرها بكأس أولها، ولألقت دنیاکم هذه أزهّد عندی من عفتة عنز» (آشتیانی و امامی، ۷۸-۷۹) «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را نجات داد، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکمپارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم، و آخر خلافت را به کاسه

اول آن سیراب می‌کردم، آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی
بزرگاله‌ای بی‌ارزشر است»

در عبارت فوق خلافت یا امت به ناقه تشبیه شده است و یکی از لوازم ناقه که "حبل"
می‌باشد به جای آن به کار رفته است. ذکر لفظ "غارب" بین کوهان و گردن شترپس از
تکمیل استعاره و اتمام قرینه از باب ترشیح است. (ابن میثم بحرانی، ۲۶۸)
امام علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید:

«وَأَيْمُ اللَّهِ، لَقَدْ كُنْتُ مِنْ سَاقَتِهَا حَتَّى تَوَلَّتْ بِحِذَائِهَا، وَاسْتَوَسَّتْ فِي قِيَادِهَا، مَا
ضَعُفْتُ، وَلَا جَبُنْتُ، وَلَا خُنْتُ، وَلَا وَهَنْتُ وَأَيْمُ اللَّهِ، لَا بَقْرَنَّ الْبَاطِلَ حَتَّى أُخْرِجَ الْحَقَّ
مِنْ خَاصِرَتِهِ». (آشتیانی و امامی، ۳۴) «به خدا سوگند من دنبال این لشکر بودم
و آنها را به پیشروی و امی داشتم تا باطل به کلی عقب نشینی کرد و همه تحت
رهبری اسلام در آمدند، در این راه هرگز ناتوان نشدم و ترس مرا احاطه نکرد
و خیانت نمودم و سستی در من راه نیافت، به خدا سوگند هم اکنون نیز در این
راه می‌روم و شکم باطل را می‌شکافم تا حق از درون آن خارج سازم».

تشبیه باطل به حیوان همراه فعل "بقر" که یکی از لوازم مشبه است از نوع استعاره مکنیه
و عبارت بعد ترشیح است. باطل از آن جهت اینچنین تشبیه شده است که گویی حیوانی است
که چیزی قیمتی‌تر از خویش را بلعیده است، مجموع عبارت برای افاده تمییز حق از باطل
است. البته "ابن میثم" لفظ "خاصره" را به عنوان استعاره برای باطل و فعل "بقر" را ترشیح
این استعاره قلمداد کرده است. (ابن میثم بحرانی، ۲۲ و ابن ابی الحدید، ۱۸۶)

حضرت علی علیه السلام جاهلیت را به گرد بادی تند یا سپاهی در حال پیشروی تشبیه کرده
و می‌فرماید: من آن را تار و مار کردم، پس از برابر من گریخت و یکپارچه طرد شد تا چیزی از
آن بر جای نماند. مشبه "جاهلیت" و مشبه به "کتیبه یا سپاه" و "ساقه" یکی از لوازم آن و استعاره
از نوع مکنیه است.

امام علی علیه السلام درباره سیاست استعماری معاویه چنین می‌فرماید:

«وَأَرْدَيْتَ جَيْلاً مِنَ النَّاسِ كَثِيراً، خَدَعْتَهُمْ بِغَيْكٍ، وَأَلَقَيْتَهُمْ فِي مَوْجِ بَحْرِكِ،

تَغْشَاهُمُ الظُّلْمَاتُ، وَتَتَلَطَّمُ بِهِمُ الشُّبُهَاتُ، فَجَازُوا عَنْ وَجْهَتِهِمْ، وَنَكَصُوا عَلَى أَعْقَابِهِمْ، وَتَوَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ، وَعَوَّلُوا عَلَى أَحْسَابِهِمْ، إِلَّا مَنْ فَاءَ مِنْ أَهْلِ البَصَائِرِ، فَإِنَّهُمْ فَارَقُوكَ بَعْدَ مَعْرِفَتِكَ، وَهَرَبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ مُوَازَرَتِكَ، إِذْ حَمَلْتَهُمْ عَلَى الصَّعْبِ، وَعَدَلْتَ بِهِمْ عَنِ الْقَصْدِ». (نامه ۳۲) «ای معاویه، گروهی بسیاری از مردم را به هلاکت کشاندی، وبا گمراهی خود فریشتان دادی، ودر موج سرکش دریای جهالت خود غرقشان کردی، که تاریکی‌ها آنان را فرا گرفت، ودر امواج انواع شبّهات غوطه ور گردیدند، که از راه حق به بیراهه افتادند، وبه دوران جاهلیت گذشتگان نشان روی آوردند، وبه ویژگی‌های جاهلی خاندانشان نازیدند، جز اندکی از آگاهان که مسیر خود را تغییر دادند، وپس از آن که تورا شناختند از تو جدا شدند، واز یاری کردن تو به سوی خدا گریختند، زیرا تو آنان را به کار دشواری واداشتی، واز راه راست منحرفشان ساختی».

در اینجا ملاحظه می‌کنید، امام علی علیه السلام معاویه را به گرداب مخوفی تشبیه کرده که بسیاری از مردم در آن غرق شده اندوراه نجاتی از امواج سهمگین در یای گمراهی وی نیافته‌اند. در تعبیر «موج بحرک» مشاهده می‌کنید که سرکشی و تجاوز معاویه را به صورت امواج دریا به تصویر کشیده است. و همینطور در واژه «الظلمات» استعاره مصرحه به کار رفته که گمراهی‌ها را تشبیه به تاریکی‌ها کرده و مشبه را حذف کرده و به جای آن مشبه به را آورده است.

۳. تصاویر کنایی ظلم در نهج البلاغه

"کنایه" در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است، ودر اصطلاح علم بیان، به کار بردن لفظی است که به جای معنای اصلی آن یکی از لوازم آن معنا را اراده کنند. (امین و جارم، ۱۲۵) در جای دیگری کنایه این گونه تعریف شده است: «دوری از تصریح به چیزی است، با آوردن مساوی آن چیز از نظر ملازمت، تا شنونده به ملزوم آن منتقل شود». (شفیعی کدکنی، ۱۴۱) امام علی علیه السلام در باره مسوولیت‌های اجتماعی چنین می‌فرماید:

«أما والذي فلق الحبة، وبرأ النسمة، لولا حضور الحاضر، وقيام الحجة بوجود الناصر، وما أخذ الله على العلماء إلا يقرؤوا على كظة ظالم، ولا سغب مظلوم، لألقيت

حَبَلُهَا عَلِيٌّ غَارِبُهَا، وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا، وَلَا لَقَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنَزٍ». (آشتیانی و امامی، ۷۸-۷۹) «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را خرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکمپارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم، و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزشتر است».

امام علی علیه السلام به دنیایی که انسان را از خدا جدا می‌کند و به سوی زشتی و پلیدی می‌برد مردود و مطرود می‌داند و با آن مبارزه می‌کند، ایشان حکومت را مسئول گرسنگی ستمدیدگان و سیری و رفاه ستمکاران می‌داند و این حکومت اسلامی است که باید با چنین انحرافی مبارزه کند و بساط امتیازات طبقاتی را برچیند و شکافهای اجتماعی را پر کند و همه از یک زندگی عادلانه‌ای برخوردار شوند، گرسنگی و سیری و رفاه گروه دیگر بزرگترین عامل نابودی اجتماع و سقوط مبانی عدل و رفاه و امنیت و ایمان است. (جرداق، بی تا، ۱۰۲)

ملاحظه می‌کنید جمله «لا لقیتم حبلیها علی غاریها» کنایه از انصراف و بی توجهی است و همینطور شکمپارگی ظالم کنایه از شدت ظلم او و گرسنگی مظلوم کنایه از کثرت مظلومیت اوست. (خاقانی، ۲۰۶-۲۰۷)

همینطور جمله «لا لقیتم حبلیها علی غاریها» کنایه از رها کردن و نیز جمله «لسقیتم آخرها بکاس اولها» کنایه از رها کردن و دست کشیدن می‌باشد. در عبارت آخر به چه طرز زیبا و شگفت آوری دنیا را تشبیه به عطسه بز کرده که بی‌ارزش بودن آنرا نشان می‌دهد و دو طرف تشبیه حسی است و وجه شبه عقلی است. غیر از صنایع بیانی از صنایع بدیعی همچون سجع بین کلمات (حاضر و ناصر) و طباق بین کلمات (ظالم و مظلوم) و (اول و آخر) و جناس اشتقاق بین کلمات (حضور و حاضر) و (ظالم و مظلوم) به کار رفته است که به نوعی کلام را آهنگین و دارای تناسب خاصی کرده است. در جای دیگری امام علی علیه السلام در باره سکوت چنین می‌فرماید:

«فَإِنْ أَقَلَّ يَقُولُوا حَرَصَ عَلَى الْمَلِكِ، وَإِنْ أَسَكَّتْ يَقُولُوا جَزَعَ مِنَ الْمَوْتِ، هَيْهَاتَ

بَعْدَ اللَّتْيَا وَالَّتْسَى، وَاللَّهُ لَابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الْبَطْلِ بِئَدَى أُمِّهِ، بَلْ
 انْدَمَجَتْ عَلَى مَكْنُونِ عِلْمٍ لَوْ بُحْتُ بِهِ لِأَضْطَرَبْتُمْ إِضْطِرَابَ الْأَرَشِيَّةِ فِي الطُّوَى
 الْبَعِيدَةِ». (دشتی، ۵۰) «اگر سخنی بگویم می‌گویند، بر حکومت حریص است، و
 اگر خاموش باشم می‌گویند: از مرگ ترسید، هرگز من و ترس از مرگ، پس آن
 همه جنگ‌ها و حوادث ناگوار؟ سوگند به خدا، انس و علاقه فرزند ابیطالب به
 مرگ در راه خدا، از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر است این که سکوت کردم،
 از علوم و حوادث پنهانی آگاهی دارم که اگر باز گویم مضطرب می‌گردید، چون
 لرزیدن ریسمان در چاه‌های عمیق».

عبارت «والله لابن ابی طالب انس من الطفل بئدی امه» در اشتیاق امام علی علیه السلام به سوی
 مرگ خیلی اغراق کرده و آنرا طوری جلوه داده که بیشتر از اشتیاق طفل به سینه مادر است.
 در جمله پایانی «لاضطربتم اضطراب الارشیه فی الطوی البعیده» تشبیه موکد به کار رفته
 است و مشبه به مفعول مطلق نوعی واقع شده است و حالت نگرانی و اضطراب خود را بسان
 لرزیدن ریسمان در چاه به تصویر کشانده است. در این خطبه از صنعت تکریر بین کلمات «اقل
 و يقولوا» و «اللتیا و اللتیا» و «اضطربتم و اضطراب» نیز استفاده شده است. همینطور در این
 خطبه «التفات» بکار رفته است، استعمال فعلا «اندمجت» بعد از «ابن ابی طالب» عدول از غیبت به
 تکلم است. همنطور در جمله اول، التفات از تکلم به غیبت است. ابن میثم عبارت «بعد اللتیا
 واللتی» را کنایه از شداید و مصائب بزرگ دانسته حال آنکه از نوع مثل است. (خاقانی، ۲۲۰)
 در خطبه‌ای دیگر برای مقابله با اصحاب جمل چنین می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَاسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَرَجَلَهُ، وَإِنَّ مَعِيَ لِبَصِيرَتِي:
 مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي، وَلَا لَبَسَ عَلَيَّ وَ أَيْمُ اللَّهِ لِأَفْرَطَنَ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَاتِحُهُ، لَا
 يَصْدِرُونَ عَنْهُ، وَلَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ». (دشتی، ۵۴) «آگاه باشید که شیطان حزب خود
 را جمع کرده و سواره و پیاده‌های لشکر خود را فرا خوانده است، اما من آگاهی
 لازم به امور را دارم، نه حق را پوشیده داشتم، و نه حق بر من پوشیده ماند،
 سوگند به خدا، گردابی برای آنان به وجود آورم که جز من کسی نتواند آن
 را چاره سازد، آنها که در آن غرق شوند، هرگز نتوانند بیرون آیند، و آنان که

بگریزند خیال بازگشت نکنند».

ابن ابی الحدید جمله «وایم الله لافرطن لهم حوضا» را کنایه از جنگ و تبعات آن از قبیل قتل و کشتار دانسته است، و معتقد است آن حوض این طور نیست که هر کس وارد آن شود آب بنوشد بلکه حوضی است که هر کس بدان قدم بگذارد طعمه شمشیرها خواهد شد. (ابن ابی الحدید، ۳۳)

همینطور در جمله «ان الشیطان قد جمع حزبه و...» صنعت تشخیص به کار رفته است و فعل «جمع» را به شیطان اختصاص داده است. و بین کلمات «حزب، خیل ورجل» سجع و همچنین بین کلمات (بصدرون و یعودون) طباق به کار رفته است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«لِلظَّالِمِ الْبَادِي غَدًا بِكَفِّهِ عَضَّةٌ». (دستی، ۶۶۸) «آغاز کننده ستم، در قیامت انگشت به دهان می گزد».

صفت "شروع کننده" برای ظالم به منظور احتراز از کسی است که در برابر ظلم دیگران از خود دفاع می کند. «فردا» کنایه از روز قیامت و "به دندان گرفتن کف دست" کنایه از ندامت او بر سستی در اجرای وظایف الهی است. هدف این عبارت ایجاد تنفر از ظلم است. (ابن میثم بحرانی، ۳۴۱)

امام علی علیه السلام در خطبه ای در باره ناکثین چنین می فرماید:

«فَخَرَجُوا يَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ كَمَا تَجْرُ الْأُمَّةُ عِنْدَ شِرَائِهَا، مُتَوَجِّهِينَ بِهَا إِلَى الْبَصْرَةِ، فَحَبَسَا نِسَاءَهُمَا فِي بُيُوتِهِمَا، وَأَبْرَزَا حَبِيسَ رَسُولِ اللَّهِ لَهُمَا وَلِغَيْرِهِمَا». (خطبه ۱۷۲) «طلحه و زبیر و یاران شان بر من خروج کردند، و همسر رسول خدا (ص) را به همراه خود می کشیدند چونان کنیزی را که به بازار برده فروشان می برند، به بصره روی آوردند، در حالی که همسران خود را پشت پرده نگه داشتند، اما پرده نشین حرم پیامبر (ص) را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند».

ملاحظه می کنید امام علیه السلام استفاده ابزاری طلحه و زبیر از همسر پیامبر برای پیاده کردن مقاصد شومشان یاد نموده و ناجوانمردی آنان را در قالب این صحنه به نمایش می گذارد. در

اینجا تصویر کشیده شدن همسر رسول خدا را به دنبال خود بسان بردن کنیزی به بازار برده فروشان ترسیم کرده و با استفاده از تشبیه اوج بی‌رحمی و سنگدلی آندورا به چه طرز زیبایی به تصویر کشیده است.

در اینجا ملاحظه می‌کنید در تعبیر «حرمة رسول الله» و «حبیب رسول الله» به چه طرز زیبایی کنایه به کار رفته است و منظور از دو تعبیر فوق، همسر رسول خدا (ص) است.

۴. تصاویر اغراق آمیز ظلم در نهج البلاغه

در اصطلاح علم بیان، اغراق آن است که گوینده ادعا کند صفتی را که آن صفت در شدت وضعف عقلا ممکن و عاداتا ناممکن باشد. (هاشمی، ۲۸۶)

امام علی علیه السلام در باره آینده درد ناک بنی امیه چنین می‌فرماید:

«أَصْفَيْتُمْ بِالْأَمْرِ غَيْرَ أَهْلِهِ، وَأَوْرَدْتُمُوهُ غَيْرَ مَوْرَدِهِ، وَسَيِّئْتُمْ اللَّهُ مِمَّنْ ظَلَمَ، مَا كَلَّا بِمَأْكَلٍ وَ مَشْرَبًا بِمَشْرَبٍ، مِنْ مَطَاعِمِ الْعَلَقَمِ وَ مَشَارِبِ الصَّبْرِ وَ الْمَقْرِ، وَ لِبَاسِ شِعَارِ الْخَوْفِ، وَ دِثَارِ السَّيْفِ، وَ إِنَّمَا هُمْ مَطَايَا الْخَطِيئَاتِ وَ زَوَامِلُ الْآثَامِ». (دشتی، ۲۹۶)

«زیرا ناهلان را به زمامداری برگزیده ایستد و زمامداری را به جایگاه دروغینی قرار داده اید اما بزودی خداوند از ستمگران بنی امیه انتقام می‌گیرد، خوردنی را با خوردنی، و نوشیدنی را با نوشیدنی، خوردنی تلخ‌تر از گیاه علقم و نوشیدنی تلخ و جانگدازتر از شیره درخت «صبر» خداوند از درون ترس و وحشت واز بیرون، شمشیر را بر آنها مسلط خواهد کرد که آنان مرکب‌های عصیان و نافرمانی و شتران بارکش گناهانند».

امام علی علیه السلام معتقد است زمامدار باید عادل باشد و همگام با مردم باشد، ایشان بنی امیه را تجاوز گر می‌داند و آنان را شایسته زمامداری مسلمین نمی‌داند و ایشان زمامداری را وظیفه‌ای سخت و مسولیتی دشوار می‌داند و فردی را لایق این منصب می‌داند که احکام الهی را رعایت کند و با ستمگری مبارزه کند.

ملاحظه می‌کنید که امام علی علیه السلام به چه طرز زیبایی عذاب الهی را برای بنی امیه بیان کرده و با هنر آفرینی خاصی در عذاب الهی اغراق کرده و آنرا تلخ‌تر از گیاه علقم و صبر تصور

کرده است. همینطور در تعبیر «لباس شعار الخوف» از استعاره استفاده کرده و در تعبیر "دثار السیف" نیز استعاره به کار رفته است. و همینطور تعبیر (مطایا الخطیئات) که استعاره مکنیه به کار رفته که گناهان را مانند مرکب‌هایی دانسته که انسان سوار آن می‌شود و نیز تعبیر (زوامل الآثام) نیز یک تعبیر استعاری است که گناهان را چون شترانی دانسته که انسان سوار آن می‌شود. همینطور از صنعت تکریر در کلمات (ماکل و مشرب) که برای تاکید و تهویل عذاب الهی استفاده نموده است.

امام علی علیه السلام در باره عدالت اقتصادی چنین می‌فرماید:

«أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُكِّيتُ عَلَيْهِ، وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ، وَمَا أُمَّ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا». (همان، ۲۳۸) «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم در باره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند، تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است، و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند هرگز چنین کاری نخواهم کرد».

امام علی علیه السلام معتقد است که بیت المال باید به عدالت بین مسلمانان تقسیم شود، رعایت عدالت را در حکومت قانونی همیشگی و جهانی می‌داند، و هرگز تحت هیچ شرایطی حاضر نیست به کسی ظلم شود. ملاحظه می‌کنید در جمله «والله لا اطور به ماسمر سمیروام نجم فی السماء» به چه طرز زیبایی ظلم را به تصویر کشیده و در بیان آن اغراق کرده است. جمله با استفهام انکاری شروع شده است، و همینطور میان کلمات «سمر، نجم و سماء» مراعات نظیر به کار رفته است. در عبارت پایانی از صنعت رد العجز الی الصدر نیز استفاده شده است.

۵. تصاویر حسامیزی (تشخیص) ظلم در نهج البلاغه

"تشخیص" در لغت یعنی "معین کردن چیزی" و در اصطلاح، عبارت از آن است که پدیده‌های بی‌جان را به منزله موجوداتی جاندار و دارای عقل و شعور در نظر بگیریم و آنان را به صفات زندگان توصیف نماییم. (خاقانی، ۲۷۲)

امام علی علیه السلام در باره عدالت حاکم چنین می‌فرماید:

«فَإِذَا أَدَّتْ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَأَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَقَامَتْ

مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ... وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالْيَهَاءُ، أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرَعِيَّتِهِ، اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ، وَظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ وَكَثُرَ الْإِدْغَالُ فِي الدِّينِ». (دشتی، ۴۴۲) «وآنگاه که مردم حق رهبری را اداء کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار، و سنت پیامبر (ص) پایدار گردد، اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار، و نیرنگ بازی در دین فراوان گردد».

امام علی علیه السلام خود را در حکومت با دیگر مردمان یکسان می‌داند و امتیازی برای خویش قائل نمی‌شود و در منطق او هم زمامدار بر مردم و هم مردم بر زمامدار حقوقی دارند. و معتقد است در صورت رعایت حقوق همدیگر، حقیقت در بین آنان پیروز و چیره گردد و پرچمها و نشانه‌های دادگری پدید می‌آید و روشهای نیکو به جریان می‌افتد و روزگار به شایستگی می‌گراید و دولت اسلامی پایدار می‌شود و دشمنان نومید می‌گردند. (جرداق، بی‌تا، ۱۰۸-۱۰۷) ملاحظه کنید که در جملات «عز الحق» و «قامت مناهج الدین» و «اعتدلت معالم العدل» و «ظهرت معالم الجور» صنعت تشخیص به کار رفته است که امام علی علیه السلام آنان را چون موجود زنده تصور کرده و حیات بخشیده است. همچنین میان کلمات (حق و جور) و (جور و عدل) و (عز و غلب) صنعت طباق به کار رفته است. در جای دیگری می‌فرماید:

«اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ احْذَرِ الْعَسْفَ وَ الْحَيْفَ، فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ». (دشتی، ۷۴۲) «عدالت را بگستران، و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند، و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد».

در این حکمت، در جملات «ان العسف يعود بالجلاء» و «الحييف يدعو الى السيف»، صنعت تشخیص به کار رفته است که افعال «يعود و يدعو» که برای انسان و موجود زنده به کار می‌رود به ترتیب به «العسف و الحيف» که بی‌جان هستند نسبت داده است. و همینطور بین کلمات «الحييف و السيف» جناس لاحق به کار رفته است و بین کلمات «استعمل و احذر» و «العدل و العسف و الحيف» صنعت طباق به کار رفته است.

۶. تصویر مثل وار ظلم در نهج البلاغه

مثل، خلاصه‌ای از سخن است که از اصل خود گرفته شده یا ذاتا به طور مستقل بر زبان جاری گشته است. پس مثل نشانی از قبول و در تداول شهرت دارد. مثل از معنی وارد شده به هر مفهومی که غرضی از آن صحیح باشد منتقل می‌گردد بی‌آنکه تغییری در لفظ آن پدید آید یا بر مفهومی که ظاهرش ایجاب می‌کند، به معانی شبیه خود منتقل شود. به همین جهت به این سخن مثل می‌زنند حتی اگر علل و اسبابی که به خاطر آن گفته شده نا شناخته باشد. (خاقانی، ۱۶۹)

«الْحَجَرُ الْعَصِيبُ فِي الدَّارِ رَهْنٌ عَلَى خَرَابِهَا» (حکمت ۲۳۲) «سنگی که به غضب در خانه است در گرو ویرانی کاشانه است».

معادل فارسی این مثل: «خانه‌ای که به ستم سازی، سگ کند در آن بازی». همینطور این کلام کنایه‌ای است از تلازم ظلم ظالم با هلاکت و خرابی آنچه را که به ستم بر پا کند.

«فَلَا تَقْبَنَنَّ الْبَاطِلَ، حَتَّى يَخْرِجَ الْحَقُّ مِنْ جَنِبِهِ» (خطبه ۱۰۴) «سپس با باطل مبارزه می‌کنم، تا اینکه حق پدیدار شود».

در اینجا ملاحظه می‌کنید باطل را مانند دیواری تخیل کرده که آنرا سوراخ خواهد کرد تا حق نمایان شود. و مراد از "باطل" در این سخن امام علیه السلام ظلم و ستم است که معتقد است با آن چنان مبارزه می‌کنم تا به حقم برسم. امام علی علیه السلام در جای دیگری فرماید:

«بِئْسَ الزَّادُ إِلَى الْمَعَادِ، الْعُدْوَانُ عَلَى الْعِبَادِ» (حکمت ۲۲۱) «بدترین توشه برای قیامت، ستم بر بندگان است».

ملاحظه می‌کنید که امام علیه السلام تجاوز و ظلم به دیگران را بدترین توشه برای انسان در قیامت معرفی کرده است. واژه "العدوان" به معنای "تجاوز و تعدی به دیگران" است. در این حکمت بین کلمات "المعاد" و "العباد" از صنعت بدیعی سجع استفاده شده است که باعث آهنگین شدن و توازن عبارت شده است. در جای دیگر می‌فرماید:

«مَنْ سَلَ سَيْفَ الْبَغِيِّ قُتِلَ بِهِ» (حکمت ۳۴۹) «آنکه شمشیر ستم کشد، بدان کشته شود».

در اینجا هم ملاحظه می‌کنید که عاقبت انسان ظالم، نابودی و هلاکت است. استفاده از حروف «س» جمله را آهنگین و زیبایی خاصی بخشیده است. عبارت "سیف البغی" یک تعبیر است که ظلم و ستم را مانند شمشیری به تصویر کشیده که به سوی انسان فرود می‌آید و انسان را به هلاکت می‌رساند.

نتایج

ظلم و تعرض به حقوق دیگران در طول تاریخ همواره وجود داشته است، و این پدیده نیز به نوعی در دوران خلافت امر المومنین علیه السلام وجود داشته و امام به شدت در برابر ستمگری حاکمان ایستادگی کرد و تلاش کرد تا با آن مبارزه کند و وظیفه حاکم اسلامی را مبارزه با آن و احقاق حقوق دیگران می‌دانست و همواره در جهت برقراری عدالت اجتماعی تلاش می‌کرد و اگر بخواهیم دو ویژگی برجسته امام علی علیه السلام را نام ببریم «عدالت» و «ظلم ستیزی» ایشان است. در این مقاله به بررسی تصاویر ظلم از منظر بلاغی پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که کلام گوهر بار امام علی علیه السلام در نهج البلاغه سرشار از معانی عمیق و دلنشین و جذاب در قالب تصاویر زنده و سرشار از معارف عمیق و آموزه‌های اخلاقی است که ذهن هر خواننده‌ای را به خود جلب می‌کند. و این تصاویر گویای توانایی و قدرت منحصر به فرد امام در خلق آنها و همچنین عظمت و معرفت بی‌نظیر ایشان نسبت به جهان هستی است، کلام ایشان در رسایی و شیوایی سرآمد همگان است. و به واقع پس از قرآن کریم، بزرگترین و با ارزشترین و بی‌نظیرترین کتاب برای مسلمانان است.

منابع

- قرآن کریم.
- آشتیانی، محمدرضا؛ امامی، محمدجعفر (۱۳۷۷) ترجمه نهج البلاغه، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، بیجا، چاپ یازدهم.
- امین، مصطفی؛ الجارم، علی (۱۳۸۹) البلاغة الواضحة، دار المعارف، مصر.
- انوری، حسن (۱۳۸۲) فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران، ج ۳، چاپ دوم.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد (۱۹۵۹) شرح نهج البلاغه، دار احیاء الکتب العربیة، بیجا، چاپ اول.
- ابن المنظور، جمال الدین (بی تا) لسان العرب، الدار المصریة للتالیف والترجمة، بیجا، ج ۱۵.
- بحرانی، ابن میثم (بی تا) شرح نهج البلاغه، دفتر نشر کتب، تهران، چاپ دوم.
- البستانی، بطرس (۱۹۹۷) محیط المحيط، مکتبة لبنان، بیروت.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۳۶۹) مختصر المعانی، دار الحکمة، قم، چاپ دوازدهم.
- جرداق، جرج (بی تا) شگفتی های نهج البلاغه، انتشارات بعثت، تهران.
- جرداق، جرج (۱۳۴۴) صدای عدالت انسانی، موسسه انتشارات فراهانی، بیجا، ج ۱.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۳۹۸) وسائل الشیعه، الاسلامیة، تهران.
- خاقانی، محمد (۱۳۷۶) جلوه های بلاغت در نهج البلاغه، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، تهران، چاپ اول.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹) ترجمه نهج البلاغه، انتشارات مشرقین، قم، چاپ چهارم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ج ۵، چاپ دوم.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۲) دانش نامه امام علی علیه السلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ج ۷، چاپ دوم.
- الزبیدی، محمد مرتضی (بی تا) تاج العروس، دار مکتبة الحیاة، بیروت، ج ۸.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰) صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، تهران، چاپ هشتم.
- عصفور، جابر (۱۹۹۲) الصورة الفنية فی التراث النقدي و البلاغی عند العرب، المركز الثقافی

- العربی، بیروت، الطبعة الثالثة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا) العین، منشورات دار الهجرة، قم، ج ۸.
 - قاسمی، حمید محمد (۱۳۸۷) جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در نهج البلاغه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول.
 - قیم، عبدالنبی (۱۳۸۱) فرهنگ معاصر عربی - فارسی، انتشارات موسسه فرهنگ معاصر، بیجا، چاپ اول.
 - کحاله، عمر رضا (۱۹۵۹) معجم متن اللغة، دارمکتبة الحیاة، بیروت، ج ۳.
 - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۴) اصول کافی، علمیه اسلامیة، تهران.
 - محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶) میزان الحکمة، دار الحدیث، قم، ج ۱، چاپ هفتم.
 - هاشمی، سیداحمد (۱۹۴۰) جواهرالبلاغة، مطبعة الاعتماد، مصر، چاپ دهم.

Archive of SID